

اسناد محرمانه ای از رژیم صدام

## سلاح های شیمیایی علیه نیروهای خودی



آن هنگام که پرده فرومی افتد و حقیقت هولناک، تلخ و یأس آور، چهره نما می شود، بر مردم رنج کشیده عراق روز و شب چگونه می گذرد هنگامی که ابرهای تیره ابهام کنار می روند و از پس سالیان سال اعتماد و باور ساده انگارانه، حقایق زهرآگین يك به يك سربرمی آورند و با رنگ و بویی از فاجعه آشکار می شوند، مردم آواره عراق به حیثیات نومیدوار خویش چگونه ادامه می دهند.

وقتی کودکان خردسال عراقی قامت امروزشان به ادراك تلخ و تیره حقیقت آن سال ها قد می دهد و به فهم خون هدر رفته پدران شان نایل می آیند، وقتی پدران سالخورده عراقی درمی یابند که فریب خورده اند و پسران شان را به ایثار جان شیرین، در راه رجاله ای گسپیل داشته اند که خود دژخیم بی ترحم دلبندان شان بوده است، بر نوادگان آواره شهرزاد روز و روزگار چگونه می گذرد.

به راستی این همه تلخی و تیرگی را امروز چگونه می توان تصویر کرد چگونه می توان از این همه اشك بر گونه های برآماسیده سخن به میان آورد خاصه اکنون که آن اشك ها و آن اندوهان انبوه به تصویر مکرر و هر روزه ای در کوچه پس کوچه های بغداد، موصل، سامرا و دیگر ویرانه های عراق بدل شده است. آن اشك های تلخ ندامت، اینك بر گونه های چروکیده پدران و مادران فرزند از کف داده عراقی، به تمامی

خشکیده است. چشمه های جوشان اشك، در چشمان شان به خشکی نشسته است. پدران و مادران سالخورده این دیار تلخ دیگر اشکی ندارند تا تقدیم جای تهی مانده دلبندان خود کنند. خون شان را تنها می توانند گریست. چه، مرگ و ویرانی، گرسنگی و بی خانمانی و بیش از همه، فریب و تزویر و تباہی امروزه در مستعمره نشین آوارگان عراقی، در زادگاه پرفسانه و افسون شهرزاد قصه گو روایتی است سخت تکراری.

اسنادی که در ادامه ارائه خواهد شد، هزاران حکایت ناگفته در خود نهفته دارد. حکایاتی که در طول سالیان جنگ تحمیلی، مردم ایران، بارها و بارها به روایت صادقانه آن برای مردم فریب خورده عراق کوشیده بودند. این اسناد گویا در کنار هزاران سند دیگر که اخیراً از ویرانه های دستگاه پوشالی سردار قادسیه به دست آمده است، نیمه در تاریکی مانده حقیقت را در خصوص جنگ تحمیلی عراق علیه ایران روشن خواهد کرد.

اقدامات مشروح در این سندها به قدری جنون آمیز است که گویی به راستی دیوانه ای آن را طرح افکنده است. جان مجنونی که برای غلبه بر هراس ذاتی سربازان خود «مهمات ویژه» یا «سلاح شیمیایی» تجویز کرده است: «اقدامات انجام شده در خصوص به کارگیری سلاح های شیمیایی علیه نیروها به منظور شکستن مانع روانی...» کلماتی که همچون استنشاق ناگزیر گاز خردل، در همان دم نخست، ته حلق را می سوزاند و از گوشه چشم ها سیلی از اشك روان می کند و من امروز خود را به جای پدرانی نهاده ام که فرزندان شان در آن سال ها در دوران جنگ هشت ساله ساده لوحانه سلاح به

کف گرفته و از برای بقای سردار دیوانه و دیوسیرت قادسیه به نبرد با همسایه بزرگ شان آمده بودند. من اکنون خود را به جای پدران عراقی نهاده ام و این کلمات، کلمات غریب و باورنکردنی ثبت شده در این اسناد، کامم را بشدت تلخ کرده است؛ تلخی زهرگونه ای که حتی بی هیچ شرح و تفصیل اضافه ای گوی شما را نیز به هنگام رؤیت این اسناد خواهد فشرد؛ حقیقت نهفته در این ورق های فوق محرمانه به قدری فاجعه بار است که شانه های هر انسانی را به هق هقی جان گذاز خواهد لرزاند.

اسناد «بسیار محرمانه و شخصی» حاضر، نشان می دهد که رژیم صدام حتی علیه نیروهای خودی نیز از مهمات ویژه - که نام دیگر سلاح های شیمیایی است - استفاده کرده است. البته در توجیه انجام این اقدام جنون آمیز دلایل و انگیزه های خاصی ذکر شده است، لیکن، حقیقت این است که هیچ يك از دلایل ارائه شده منطقی به نظر نمی رسند. در حالی که دقت در گزارش مشروح این عملیات - که در سند E آمده است - انگیزه های اصلی صدام را از اجرای طرح مذکور روشن می کند.

براساس سند A که با آرم ملی عراق همراه شده است، دبیر فرماندهی کل نیروهای مسلح عراق از صدام، رئیس جمهوری وقت این کشور خواسته است تا در خصوص «به کارگیری مهمات ویژه در محور عملیاتی شرق هور در تاریخ ۵ آوریل ۱۹۸۵...» «دستورات مقتضی را صادر» کند. در بند دوم این نامه همچنین خطاب به صدام نوشته شده است:

«در راستای اجرای دستور جنابعالی، گزارش (بررسی هدف شیمیایی در محور عملیاتی شرق هور) که در ساعت ۳۰:۱۰ روز ۱۰ آوریل ۱۹۸۵ تهیه شده است به پیوست تقدیم می گردد...»  
اما سند B که سند «بسیار محرمانه» ای است باز هم با آرم ملی عراق و امضای دبیر (رئیس دفتر) فرماندهی کل نیروهای مسلح، در اصل موافقتنامه صدام است با تقاضای مطرح شده در سند پیشین:

«موافقت آقای رئیس جمهوری فرمانده کل نیروهای مسلح... در مورد پیشنهادات ارائه شده در گزارش پیوست [سندA] حاصل گردید...»

در اسناد «بسیار محرمانه و شخصی» C و D، از گزارشی سخن به میان آمده که مشروح آن در سند E آمده است: «گزارش اقدامات انجام شده در خصوص به کارگیری سلاح های شیمیایی علیه نیروها به منظور شکستن مانع روانی» و اسناد C و D نشان می دهند که گزارش مذکور و پیشنهادهای مندرج در آن به موافقت صدام رسیده است: «موافقت جناب رئیس جمهور فرمانده با پیشنهادات را ابلاغ می کنیم. امضا ۳۰ ژوئن» و «موافقت آقای رئیس فرمانده کل نیروهای مسلح... در مورد پیشنهادات ارائه شده در گزارش پیوست حاصل گردید.»

اما سند E که در واقع گزارشی است مشروح از اقدامات اشاره شده در اسناد پیشین، حاوی نکات مهم و شگفت انگیزی است. در این گزارش دستنویس و «بسیار محرمانه و شخصی» که به امضای «مدیریت برنامه ریزی»، «مرکز تحقیقات ۹۲۲»، «مدیر رسته شیمیایی» و «مدیر مرکز تحقیقات ۹۲۲» رسیده است، بندهایی وجود دارد که توجه به آنها می تواند روشن کننده نکات جالب و عبرت آموزی باشد. از جمله در بند ۵ از مورد پنجم، که در واقع خلاصه ای است از دستورالعمل های رئیس ستاد مشترک ارتش به کمیته بررسی کننده طرح آمده است:

«به کارگیری مواد شیمیایی (خردل) پر شده از ۴ بمب هواپیما که به وسیله دستگاه کنترل منفجر می شود و توسط اکیپ مهندسی ویژه با نظارت خود کمیته جاسازی می شود و برای واقعیت بخشیدن به عملیات، ترتیبی داده شود که همزمان با انفجار، يك هواپیما از منطقه عبور کند (به صورت ساختگی) و هماهنگی های لازم با ق ق ج د ج... [فرماندهی نیروی هوایی و پدافند هوایی] صورت گیرد جهت اقدامات لازم برای عبور هواپیما با در نظر گرفتن اقدامات لازم در خصوص پدافند هوایی به طوری که سلامتی هواپیما تضمین گردد و به گونه ای باشد که وانمود شود هواپیما متعلق به دشمن بوده و اقدام به استفاده از مهمات شیمیایی نموده است...»

در واقع، این بند - خصوصاً سطور انتهایی آن - نشان می دهد که حکومت عراق از عدم به کارگیری سلاح شیمیایی توسط جمهوری اسلامی ایران اطمینان داشته و به این وسیله کوشیده است تا هواپیمای حامل مهمات شیمیایی عراق را هواپیمای ایرانی جا بزند. ضمن این که همین نکته خود حاکی از حقیقت مهمتری است؛ این که عملیات مشروح در این گزارش آنچنان که ادعا شده به منظور تمرین و شکستن مانع روانی جهت مقابله با حمله شیمیایی دشمن [جمهوری اسلامی ایران] انجام نشده است، بلکه انگیزه هایی واقعی تر را می باید برای این اقدام غریب جست و جو کرد. در حقیقت، حکومت عراق قصد داشته است تا با این عملیات، پوششی بسازد برای طرح های عملیاتی مشخصی که در آنها مناطقی از خاک ایران و حتی عراق به شکل واقعی مورد هدف سلاح های شیمیایی قرار گرفته بود.

همچنین بند «۶ - پیشنهادات» نشان می دهد که طرح مشروح در سند E به عملیات حاضر محدود نبوده و بعدها اقدامات دیگری نیز در این زمینه صورت گرفته است: «پیشنهاد می کنیم در آزمایشات بعدی مخلوطی از دو عامل خردل و «CS» به نسبت ۱ به ۳ استفاده شود.»

پرسش این است که به رغم د چین اسناد روشنی، چگونه ممکن است ارتش ایالات متحده آمریکا تا به امروز موفق به کشف سلاح های شیمیایی و آثار و بقایای این گونه سلاح ها در خاک عراق نشده باشد.

منبع: اصلي اطلاعات و اسناد موجود در تحريه پایگاه اطلاع رسانی قربانیان سلاح های شیمیایی- آذر ماه ۱۳۸۶

پایان